

معنی	
۱	چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی باید زدن سنگ را بر سبوی اگر می خواهی حقیقت آشکار شود، باید خطر را پذیری و به آزمایش (سیاوش و سودابه) پردازی
۲	دل شاه از اندیشه یابد گزند بدگمانی، دل شاه را آزرده خواهد کرد.
۳	وزین دختر شاه هاماوران پراندیشه گشتی به دیگر کران و از سوی دیگر، دختر شاه هاماوران (سودابه) موجب نگرانی شاه شده است.
۴	زهر در سخن چون بدین گونه گشت بر آتش یکی را بیاید گذشت چون کار به اینجا رسید و مقصّر پیدا نشد، ناچار یکی از آن دو (سودابه یا سیاوش) باید برای اثبات بی گناهی خود از آتش عبور کند
۵	چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی گناهان نیاید گزند سرنوشت چنین رقم زده است که آتش بی گناهان را نمی سوزاند
۶	سرانجام گفت ایمن از هر دو آن نه گردد مرا دل، نه روشن روان دل و روان من نسبت به شما آسوده و ایمن نمی گردد
۷	جهاندار، سودابه را پیش خواند همی با سیاوش به گفتن نشاند کاووس شاه، سودابه را پیش خود فراخواند و او را با سیاوش روبه رو کرد.
۸	سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار سیاوش چنین گفت: که ای شهریار، رفتن به دوزخ و تحمل آتش آن برای من از شنیدن این تهمت آسان تر است
۹	اگر کوه آتش بود بسپریم ازین، تنگ خوار است اگر، بگذرم اگر کوهی از آتش در برابرم باشد زیر پای می گذارم و اگر قرار بر عبور از میان آتش باشد، برای من آسان است.
۱۰	پراندیشه شد جان کاووس کی ز فرزند و سودابه نیک پی کاووس نسبت به فرزند و همسر کی نژاد خود به شدت نگران شد
۱۱	کزین دو یکی گر شود نابکار از آن پس که خواند مرا شهریار؟ اگر یکی از این دو گناهکار شناخته شود، دیگر پس از این چه کسی به من پادشاه می گوید؟ (از آن پس من دیگر لیاقت پادشاهی را نخواهم داشت. اعتبارم را از دست می دهم)
۱۲	همان به کزین زشت کردار، دل بشویم کنم چاره دل گسل بہتر است خود را از این بدگمانی نجات دهم و برای این رویداد تلخ چاره ای بیابم.
۱۳	به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت، صد کاروان کاووس به وزیر خود فرمان داد تا صد کاروان شتر از دشت بیاورد
۱۴	سراسر همه دشت بریان شدند همه مردم حاضر در دشت غمگین و ناراحت بودند
۱۵	فرود آمد از باره، بردش نماز: از اسب پیاده شد و رسم احترام و تعظیم به جا آورد (در مقابلش تعظیم کرد)

۱۶	سیاوش سیه را به تندی بتاخت نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت سیاوش اسب سیاه رنگش را به سرعت به سوی آتش راند؛ غمگین نبود و خود را برای جنگ با آتش آماده کرد.
۱۷	چنان آمد اسب و قبای سوار که گفتمی سمن داشت اندر کنار اسب و لباس سیاوش آنچنان سالم و پاک بود که گویی او از میان آتش نگذشته، بلکه از میان گلها گذشته است.
۱۸	فرود آمد از اسب کاووس شاه پیاده سپهبد پیاده سپاه کاووس شاه و همه سپاه همراه او به نشانه احترام از اسب پیاده شدند.
	درک مطلب و فورآزمایی
۱	مفهوم اصلی مصرع اول را بنویسید. «سراسر همه دشت بریان شدند بر آن چهر خندانش گریان شدند» غمگین شدن همه مردم
۲	«بدان گه که شد پیش کاووس باز فرو آمد از باره، بردش نماز؛ نماز بردن یعنی ... : تعظیم و ستایش کردن
۳	در بیت «مگر کاتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند» اعتقاد بر این است که ... بی گناهان در آتش نمی سوزند.
۴	«موبد» در مصراع «چنین گفت موبد به شاه جهان ...» چه کسی است؟ روحانی مشاور در امور سلطنت
۵	باتوجه به بیت «چو او را بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو» منظور از «شاه نو» چه کسی است؟ سیاوش
۶	در بیت «مگر آتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند» واژه «مگر» به چه معنایی به کار رفته است؟ شاید (امید است)
۷	در بیت «فرود آمد از اسب کاووس شاه پیاده سپهبد، پیاده سپاه» الف) منظور از سپهبد چه کسی است؟ کی کاووس ب) مفهوم مصراع دوم چیست؟ احترام گذاشتن به سیاوش
۸	«به گفتن نشاندن» در مصراع «همی با سیاوش به گفتن نشانند»؛ یعنی ... روبه رو کرد
۹	باتوجه به بیت «سر پر زشرم و حیایی مراست اگر بی گناهم رهایی مراست» سیاوش رهایی خود را در چه می داند؟ در اثبات بی گناهی
۱۰	مفهوم مصراع «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟ آتش دوزخ در برابر این سخن (تهمت) برای من ناچیز و بی ارزش است
۱۱	منظور از مصراع دوم چیست؟ چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی باید زدن سنگ را بر سبوی باید خطر را بپذیری و به آزمایش (سیاوش و سودابه) پردازی
	آرایه های ادبی

۱- بیت «همی کند سودابه از خشم موی / همی ریخت آب و همی خست روی» کدام آرایه‌ها را دارد؟

کنایه، جناس، مراعات نظیر

۲- یک آرایه ادبی برای مصرع دوم بنویسید. «یکی تازی ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه»

اغراق - ماه مجاز از آسمان - خاک نعلش برآمد به ماه : کنایه از سرعت زیاد (یک مورد کافیست)

۳- آرایه مشترک دو مصرع زیر را مشخص کنید.

الف) زمین گشت روشن تر از آسمان (ب) همی خاک نعلش برآمد به ماه کنایه

۴- مفهوم کنایه‌ها را در ابیات زیر بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی باید زدن سنگ را بر سبو سنگ بر سبو زدن کنایه از آزمایش و امتحان

ب) همان به کزین زشت کردار، دل بشویم کنم چاره دل گسل دل شستن کنایه از صرف نظر کردن، رها کردن

۵- هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام یک از زمینه‌های حماسه است؟

الف) چنان آمد اسپ و قبای سوار که گفتی سمن داشت اندر کنار خرق عادت

ب) اگر کوه آتش بود بسپریم ازین تنگ خوار است اگر بگذرم قهرمانی

ج) مگر کاتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند

ملّی : اشاره به زمینه ملّی حماسه که ایرانیان آتش را پاک و مقدّس می دانستند

د) پراگنده کافور بر خویشتن چنان چون بود رسم و ساز کفن

ملّی : رسم کفن و دفن است

۶- مصرع دوم بیت زیر بیانگر کدام ویژگی حماسی است؟

«چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و آب یکسان بود» خرق عادت